موضوع :

انگیزه تحصیلی در دوره ابتدايي

تهیه و تنظیم :

اردیبهشت 92



**فهرست موضوعات :**

**موضوع صفحه**

**مقدمه : ...............................................................................................................................5**

**انگیزه تحصیلی...................................................................................................................7**

**عوامل بی انگیزشی............................................................................................................ 8**

**راهکار های عملی برای افزایش انگیزه ..............................................................................9**

**روش های ایجاد انگیزه و ترغیب دانش آموزان به تحصیل............................................. 15**

**آموزش انگیزه.................................................................................................................... 24**

**چهل نکته........................................................................................................................... 26**

**درک معلمین، اولیا و دانش آموزان از این فرآیند چیست؟...............................................34**

**بیست راهبرد ....................................................................................................................... 41**

**پیامی ازیک معلّم به همکاران:............................................................................................ 44**

**نتیجه گیری......................................................................................................................... 47**

**منابع..................................................................................................................................... 50**

**مقدمه**

نخستین نکته ای که معلمان باید بدانند این است که انگیزش انسانی یک موضوع بسیار پیچیده است صدها روان شناس زندگی خود را صرف کرده اند تاعلت نحوه رفتار انسان راکشف کنند  کوشش های آنان به موفقیت های زیادی  منجرشده است امروزه مانسبت به چند دهه ی قبل اطلاعات زیادی درباره ی این موضوع داریم اما این موفقیت ها بدین معنا نیست که درک و فهم ماکامل شده است و اکنون می توانیم به این دانش جدید تمام اشکال رفتارها و نگرش های ضد باروری در مدارس کلاسها رامتوقف کنیم اگرموضوع انگیزش انسان اینقدرساده بود معلمان به حل بسیاری از مشکلاتی که با اندک انگیزش دانش آموزان قابل رفع بود فایق می آمدند بنا براین معلمانی که برای افزایش انگیزش تحصیلی دانش اموزان فعالیت می کنند باید بینش و اهدافی متعادل داشته باشئد معلمان  باید علاوه برداشتن اهدافی متعادل برای افزایش انگیزش تحصلی دانش آموزان باید آگاه باشند که مجموعه ی یکسانی از شیوه های علمی که در تمام موفقیت موثر باشند وجود ندارد.

از آنجایی که تدارک محیط های مناسب برای دانش آموزان باعث افزایش انگیزش یادگیری آنان      می شود از این رو معلمان باید زمان زیادی را جهت آموختن شیوه های آماده سازی محیط مناسب برای دانش آموزان صرف کنند،زیرا این عمل بسیار پیچیده است معلمانی که با تغییر پی در پی روش های تربیتی خود سعی در ایجاد تقویت و پیشبرد انگیزش تحصیلی هستند توصیه می شود که این عمل را بتدریج انجام دهند زیرا ایجاد تغییرات پی درپی حالتی از شوک در افراد ایجاد می کند

**انگیزه تحصیلی**

انگیزه در واقع همان نیروی محرک انسان برای انجام رفتارها و اعمال او می باشد به گونه ای که اگر فردی از انگیزه کافی برای انجام یک فعالیت برخوردار نباشد، آن کار را ترک خواهد کرد. اما انگیزه ها به دو دسته انگیزه های درونی و بیرونی تقسیم می شوند. بطور کلی زمانی که به دنبال ایجاد تغییرات پایا و مستمر هستیم و زمان کافی برای اعمال برنامه‌ها داریم کار با سیستم انگیزش درونی نتایج مفیدتری خواهد داشت. بر این اساس برنامه‌های طولانی مدت از اصول مربوط بکارگیری انگیزش درونی استفاده می‌کنند. اما در مقابل برای بدست آوردن تغییرات سریع و شدید می توان از عوامل انگیزشی بیرونی که درواقع همان مشوق های ظاهری مانند استفاده از آنچه فرد دوست دارد و از آن لذت می برد؛ استفاده کرد.  
فرآیند تحصیل از عمده جریاناتی است که با سیستم انگیزشی در‌گیر است. فعالسازی و تقویت انگیزش درونی در دانش جویان اهداف مبتنی بر یادگیری آنها را برآورده خواهد ساخت و دوام و پایایی آنها را تضمین خواهد کرد. دانش جویی که دارای انگیزه های درونی قوی می باشد، نه صرفا بر مبنای کسب نمرات برتر ، جوائز و امتیازات ویژه ، بلکه بر اساس انگیزه‌های درونی خویش وارد عمل خواهد شد. غالبا افرادی که با تحمل انواع سختیها و مشقتها به دنبال رسیدن به اهداف خود هستند در واقع از انگیزش درونی خود به عنوان نیرو دهنده و تقویت کننده استفاده می‌کنند. افراد خود انگیخته یا افرادی که دارای انگیزش درونی هستند، نیاز به استفاده مداوم از انگیزشهای بیرونی ندارند. هر چند استفاده از این مشوقها آنها را فعالتر و انگیخته‌تر می‌سازد اما کاهش یا فقدان آنها چندان تاثیری در کاهش انگیزش آنها برای فعالیت و در نتیجه کاهش عملکردشان نخواهد داشت.  
اما برای ایجاد انگیزه تحصیلی بهترین روش این است که پس از برطرف کردن موانع انگیزشی، همزمان به انگیزه های بیرونی و درونی پرداخت و آنها را تقویت نمود. به این ترتیب با وجود انگیزه های بیرونی فرد به سرعت نیرو بدست آورده و حرکت تحصیلی خود را آغاز خواهد نمود و تضمین و ادامه راهش نیز با بوجود آمدن انگیزه های درونی در طول زمان تضمین خواهد شد.  
اما برای افزایش انگیزه تحصیل دو گام اساسی را باید برداشت، گام اول کشف و برطرف کردن عوامل بی انگیزشی است، و گام بعدی بکاربردن هم زمان راهکارهای افزایش انگیزه درونی و بیرونی. در این صورت شما خواهید توانست با یاری خداوند متعال انگیزه تحصیلی را در خود ایجاد نمایید و یا افزایش دهید.

**عوامل بي انگيزشي**   
-1- گاهي اوقات اطرافيان و دوستان با بيان مطالبي از قبيل «درس خواندن چه سودی دارد؟ کسانی که درس خوانده اند به کجا رسیده اند و ...» انگيزه درس خواندن را در شما از بین می برند. براي رفع اين مشکل بايد از ارتباط با افراد منفي اجتناب کرد و با توکل به خداوند آنچه را که درست است انجام داد.  
-2- عدم علاقه به رشته تحصيلي مي تواند موجب بي رغبتي و بي تفاوتي به ادامه تحصیل شود. بنابراین اگر این طور است سعی کنید یا به رشته خود علاقه مند گردید و یا اینکه رشته تحصیلی خود را تغییر دهید.  
-3- نداشتن هدف سبب بی انگیزگی می گردد. هدف شما از درس خواندن چیست؟ اگر هدفی ندارید طبعا درس خواندن کاری عبث و بیهوده برایتان جلوه می کند و یا اگر هدفی عالی، بزرگ و خواستنی ندارید، به طور طبیعی انگیزه کمی برای ادامه تحصیل خواهید داشت.  
-4- وجود موانع نیز می تواند انگیزه ادامه تحصیل را از انسان بگیرد، بنابراین اگر موانعی مانند کمبود وقت یا مشکلات مالی و یا ... بر سر راه شما قرار دارد سعی کنید آنها را برطرف کنید.  
-5- سوء تغذيه، مشکلات جسماني يا رواني نيز در بي رغبتي تأثير دارد بنابراين اگر در اين زمينه مشکلاتي هست بايد برطرف شود.  
-6- احساس گناه نیز می تواند سبب کاهش انگیزه در انسان گردد. گاهی اوقات خوب درس نخواندن و تنبلی و یا یک وقفه تحصیلی می تواند شخص را دچار احساس گناه و در نتیجه بی رغبت و بی انگیزه کند. باید گذشته را فراموش کرد و به آینده امیدوار بود.  
**راهكارهاي عملي براي افزايش انگيزه**  
-1- به علت وجود انگیزه «همجنسی اجتماعی» در انسان، فرد خود را در مقایسه با دیگران قرار می‌دهد و در نتیجه اطلاعاتی از تواناییهای خود و دیگران بدست می‌آورد و برای جبران ضعفهای خود برنامه‌ریزی می‌کند. این مساله برای اینکه فرد بتواند در محیط خود فعالیت موثری داشته باشد لازم است. به عبارتی ، از این طریق فرد ویژگیهای خود را بر مبنای ویژگیهای دیگران ارزش گذاری می‌کند و بر پایه شان اقدامات و تلاشهایی را انجام می‌دهد. بنابراین سعی کنید با افراد مثبت نگر، فعال، با نشاط و درس خوان معاشرت کنيد و از معاشرت با افرادي که به امور معنوي و علمي توجهي ندارند اجتناب کنيد.  
-2- روزانه نيم الي يک ساعت ورزش مورد علاقه انجام دهيد.  
-3- شما باید با برنامه درس بخوانید. داشتن برنامه خود سبب امیدواری و پیشرفت سریعتر و در نتیجه تقویت انیگزه می گردد.  
-4- از يکنواختي در روش مطالعه و زندگي اجتناب کنيد و يک تنوعي در زندگي خود بدهيد. وقتی برای خود مقرراتی در درس خواندن یا تفریح کردن در نظر می گیرید ، در برابر خود، قاطع و منصف باشید.  
-5- از تلقين اين فکر که «من روحيه درس خواندن ندارم» يا «من حال درس خواندن ندارم» اجتناب کنيد بلکه به جاي آن به خود تلقين کنيد که همانطور که توانستم تا این مرحله برسم، می توانم با موفقیت به تحصیلاتم ادامه بدهم و فرد موفقی باشم و راهكارهاي زير را عملي سازيد:  
الف) ليستي از توانمنديهاي خود تهيه كرده و روزي دو يا سه بار با صداي بلند آن را بخوانيد مثلا بگويند من شخص با استعدادي هستم و من ... هستم .  
ب) ليستي از فوائد مادي و معنوي درس خواندن و كسب موفقيت تحصيلي تهيه نموده و آن را هر روز مرور كنيد و هر روز نيم ساعت بر روي يكي از آن فوائد فكر كرده و 10 سطر درباره آن مطلب بنويسيد و اين عمل را براي يكايك فوائد انجام دهيد و بعد هر كدام كه براي شما خوشايندتر بود را گاه گاهي مطالعه و به آن بيافزائيد.  
ج) تایید شدن از طرف دیگران از کودکی به عنوان پسر خوب یا دختر خوب در فرد وجود دارد، هر چند این ویژگی در بزرگسالی شکلهای دیگری به خود می‌گیرد، ولی اساس آن همان است که در کودکی وجود دارد و به آن انگیزه تاثیر اجتماعی می گویند. بسیاری از فعالیتهای یک فرد بزرگسال نه فقط برای خود ، بلکه به منظور تایید شدن از طرف دیگران یا مردم پسندی انجام می‌شود. این نوع از انگیزه را در افراد موفق در شاخه‌های مختلف هنری ، علمی و ... ، می‌توان یافت. اکنون با توجه به وجود چنین انگیزه ای در وجود خویش ليستي از پيامدهاي منفي درس نخواندن را تهيه و با تأمل در مورد يكايك آنها اين پيامدهاي منفي را براي خود جدي , بزرگ و معضل آفرين معرفي كنيد.  
-6- تصميم بگيريد زندگي جديدي را با پيدا كردن دوستان جديد و ايجاد فضاي جديدي براي تحصيل و زندگي ايجاد نماييد و با برنامه ريزي و انجام كارهاي مثبت شور تازه اي به خود بدهيد و به گذشته فكر نكنيد.  
-7- در صورت امکان در فرصت هايي که چند روز تعطيل هستيد يک مسافرتي را ترتيب دهيد و مسافرت کنيد تا يک تنوع در وضعيت زندگي شما به وجود آيد.  
-8- سعی کنید خیلی خوب و دقیق و منطقی (به دور از حرف و سخن دیگران ) به علایق و استعدادها و تواناییها و اهداف خود فکر کنید تا جایی که برای خودتان ، قانع کننده و آشکار باشد.  
-9- برای درس خواندن خود هدف های کوتاه مدت در نظر بگیرید و در صورت رسیدن به آن اهداف ، پاداش و در غیر این صورت خود را تنبیه کنید.(مثلا اگر فردا برنامه ی خود را به موقع انجام دادم ، حق دارم نیم ساعت از اینترنت استفاده کنم . اگر 3 روز متوالی از برنامه ام عقب ماندم ، یک هفته حق استفاده از اینترنت را نخواهم داشت). برای انتخاب کردن پاداشها به اصول زیر توجه نمایید:  
الف) با توجه به اصل تفاوت های فردی، سعی کنید آنچه که واقعا برای شما خوشایند و لذت بخش می باشد را به عنوان مشوق انتخاب نمایید و به هیچ وجه محیط و دیگران را در این امر دخالت ندهید.  
ب)ممکن است پس از مدتی از مشوق انتخاب شده خسته یا زده شوید و یا آنکه به اندازه کافی به شما انگیزه ندهد، در این صورت یا مقدار آن را افزایش بدهید ویا آن را با یک مشوق جدید و خوشایند دیگر جایگزین نمایید تا سطح انگیزه شما همچنان افزایش بیابد.  
ج)از آنجا که مشوق های بیرونی تا زمانی که وجود داشته باشند و همچنان خوشایند و لذت بخش باشند ایجاد انگیزه می نمایند و به محض نبودن و یا خوشایند نبودن انگیزه را نیز با خود می برند، و همچنین استفاده مدام و افزایشی از مشوق های بیرونی سبب عادت کردن به این سیستم و دوری از انگیزش های درونی خواهد شد؛ شما حتما باید همزمان با مشوق های بیرونی، مشوق های درونی(مانند عشق به تحصیل، لذت بردن از تحصیل و مطالعه، لذت بردن از یادگیری مطالب جدید، ...) را نیز تقویت کنید و افزایش دهید. در این صورت حتی در نبود مشوق های بیرونی انگیزه لازم برای ادامه تحصیل و مطالعه را خواهید داشت، چرا که انگیزش های درونی پایا تر و قوی تر می باشند. بنابراین از پاداشهای درونی نیز استفاده نمایید به عنوان مثال بعد از یک موفقیت مطالعه ای یا تحصیلی احساس شخصیت و بزرگی کنید، به خودتان افتخار کنید، از اینکه یک رشد علمی داشته اید به خود ببالید، احساس کنید دیگر آن آدم قبلی نیستید و بلکه فردی شایسته تر و برتر از گذشته شده اید،...  
-10- تلاش کنید با اعضای خانواده روابط نزدیک و صمیمی داشته باشید، چون در هنگام درس خواندن به حمایت و کمک و آرامش نیاز خواهید داشت. سعی کنید در کنار خانواده ی خود، اوقات خوش و مرفحی داشته باشید.  
-11- وقتی موفقیتی بدست می آورید هر چند هم که کوچک باشد ، معتقد باشید که آن در نتیجه سعی و تلاش شما بوده ، نه شانس و اتفاق و...  
-12- شما برای کسب انرژی لازم برای رسیدن به یک هدف باید انگیزه ی قوی داشته باشید. انگیزه هم وقتی قوی می شود که درونی و خودجوش باشد نه بیرونی و با زور! یعنی اینکه شما معتقد به ادامه تحصیل باشید ،نسبت به مطالعه ، سطح سواد ، موقعیت اجتماعی و... احساس نیازکنید، از خواندن مطالب مورد علاقه ی خود لذت ببرید و نسبت به عملکرد خود احساس رضایت داشته باشید. نه اینکه به خاطر ترس از حرف دروهمسایه و فامیل ، به خاطر اینکه پدرو مادرم ازمن خواستند و چنین انتظاری دارند، درس بخوانید ، این دلایل شاید برای ایجاد انگیزه خوب باشند ولی برای پایدار نگه داشتن انگیزه به دلایل و عوامل درونی نیازمندیم.(مثل کسانی که دائم می گویند:خوب ، این همه لیسانس بیکار، اصلا واسه چی آدم باید درس بخونه؟! خوب چنین کسی ، هیچ اعتقادی به ذات ادامه تحصیل ندارد ، تنها هدفش شغل بوده ، که آنهم به خاطر دیدن چند تجربه ی اتفاقی ، به سرعت زیر سوال رفته، پس نمی توان از این شخص انتظار انگیزه ی بالا برای درس خواندن و قبولی داشته باشیم ، مگر اینکه نگرش و دید خود را نسبت به مسائل تغییر دهد).  
-13-از قرار گرفتن در تنهايي و بيکاري اجتناب کنيد.  
-14- با اهتمام به مسائل معنوي و مذهبي و شرکت در مراسم مذهبي روحيه معنوي خود را تقويت کنيد. از گناه دوري کنيد و از رفتن به محيط هايي که فکر و ذهن شما را مي ربايد اجتناب کنيد.  
-15- شناخت قانون هر چیزی شما را به آن علاقمند می کند. اگر خیلی ها از تماشای تنیس لذت نمی برند به خاطر آن است که از قانون شمارش امتیازها در آن آگاهی ندارند. قانون ورزشها، قانون بازیها، قانون برقراری یک ارتباط مؤثر، مقررات اجتماعی، قانون مطالعه و از همه مهمتر قانون تحصیل در یک رشته خاص ( رشته تحصیلی خودتان) را کشف کنید. به این منظور با افراد موفق رشته خود مثلا یکی از استادان علاقه مند به رشته تان در باره چگونگی مطالعه و منابع بهتر و شیوه های دست یابی به موفقیت مشورت نمایید.

**روشهای ایجاد انگیزه و ترغیب دانش آموزان به تحصیل**

 در این تحقیق سعی شده است به مطالعه روش های ایجاد انگیزه و ترغیب دانش آموزان به تحصیل مورد بررسی قرار گیرد.

تحقیق به صورت کتابخانه ای انجام گرفته و با تطبیق نظریه ها و روش های گوناگون ایجاد انگیزه، موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

چرا برخی از دانش آموزان علاقه زیادی به درس، مدرسه و تحصیل دارند و برخی علاقمند به این امور نیستند بررسی چگونگی و چرایی این انگیزه مورد سؤال و بحث بسیاری ازاولیاء، معلمان ومربیان است.

هر پدر و مادر و یا معلمی دوست دارد در دانش آموز ایجاد علاقه ، میل و رغبت به تحصیل را بارور کند تا فراگیر بتواند در امر تحصیل موفق تر و از تحصیل لذت بیشتری ببرد.

انگیزه یعنی چرایی و علت رفتار فرد، نیرویی که فرد را انگیخته و وادار به کاری با میل و رغبت می کند.

موفقیت تحصیلی از مسایل مهم آموزشی و روان شناسی است که رابطه تنگاتنگی با انگیزه دارد. داشتن انگیزه و علاقه به تحصیل و مدرسه از دلایل اصلی موفقیت تحصیلی محسوب می شود.

در ایجاد انگیزه  به تحصیل که موجب ارتقاء موفقیت تحصیلی می گردد  عواملی دخیل هستندکه از آن جمله می توان به توان ذهنی، یادگیری های قبلی، علاقه به دروس خاص و...از یک سو و از سوی دیگر سطح درآمد خانواده،میزان تحصیلات ونوع شغل والدین، موقعیت اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی خانواده، محیط خانواده و....... اشاره کرد.

در بررسی ایجاد انگیزه به تحصیل باید به عوامل مؤثر درونی و بیرونی فرد توجه کرد. وقتی که پدر و مادر همه ی زمینه های علاقمندی را برای دانش آموز فراهم کرده اند چه عواملی باعث می شوند که فرزند آنها میلی به درس نشان ندهد؟ در درون او چه می گذرد؟

بعد از شکست هایی که برای دانش آموزان(در اموردرسی) بوجود می آید توانایی بهره گیری از این تجربه در افراد متفاوت است بعضی آن را زمینه ساز پیروزی بزرگ می دانند و عده ای آن را پایان راه وبعضی اصلاًواکنشی ندارند وظیفه معلمان و مربیان است که آموزش خوب و ارائه راهکار و روش درست را به دانش آموز نشان دهند[.](http://www.zibaweb.com/)

در این تحقیق سعی شده است در حد توان به بررسی چند روش ایجاد انگیزه و دلایل و ریشه های آن پرداخته شود.

**کلیاتی در مورد انگیزش :**

انگیزش از جمله مباحثی است که قرن ها توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است و دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که ارزیابی انگیزش انسان بسیار پیچیده است .اصطلاح انگیزش (motivation)در اصل از ریشه لاتین (movere)مشتق شده است و به معنی تحریک است.

یک جاندار انگیخته ،در مقایسه با یک جاندار نا انگیخته با نیرو و کارایی بیشتری در یک فعالییت در گیر می شود.مفهوم انگیزش ممکن است ساده به نظرآیداما تجزیه وتحلیل آن بسیار مشکل است یکی از مشکلات این است که یک نوع رفتار یا عمل ممکن است با انگیزه های متفاوتی ارتباط داشته باشد و مشکل دیگر در مطالعه انگیزش تمیز دادن انگیزه های اصلی و اولیه از انگیزه های ثانویه است سومین مشکل در مطالعه انگیزه ها آن است که افراد ممکن است از دلایلی که پایه واساس یا برانگیزنده اعمالشان می باشد کاملا آگاه نباشند.

موفقیت تحصیلی از جمله مسایل مهمی است که محور بسیاری از پژوهش های آموزشی و روان شناسی است.(براون و کراسی، (1997)؛موس وموس،1990 نایسی و وانیوماکسی 1999).

عوامل بسیاری در موفقیت و پیشرفت تحصیلی کودکان و نوجوانان سهیم هستند که برخی ا ز آنها نظیر هوش، توانایی ویادگیری های قبلی ،شناختی هستند و برخی دیگر نظیر محیط خانوادگی جایگاه اجتماعی – اقتصادی ،غیر شناختی اند.(براون و کراسی، (1997).

الف: عوامل شناختی به این دلیل مهم هستند که فراهم کننده پایه و اساس ذهنی و تجربی برای یادگیری در آینده هستند ورابطه بین آنها و موفقیت تحصیلی کاملاً بارز وقابل مشاهده است. دویک(2000) معتقد است که باورهای هوشی با موفقیت تحصیلی دانش آموزان رابطه دارد.

ب:عوامل غیرشناختی مثل موقعیت خانواده به لحاظ اجتماعی ،اقتصادی و فرهنگی از جمله عوامل مهم در پیشرفت ها و شکست های تحصیلی کودکان به شمار می رود (گولال1374)

نتایج پژوهش ها نیز نشان دهنده ی وجود ارتباط بین بالا بودن سطح اجتماعی اقتصادی والدین و موفقیت تحصیلی دانش آموزان است(باخرو روشلن،1965؛نقل از گولال،1374،موس وموس،1990)

کالجرو(1982) نشان داد که بین سطح درآمد ،میزان تحصیلات و نوع شغل والدین با موفقیت تحصیلی فرزندان آنها رابطه معناداری وجود دارد.

بعد از انجام فعالیتی رفتاردانش آموز به یکی از3 طریق زیر نشان داده میشود

1. تلاش نکند
2. برای کسب موفقیت تلاش کند
3. برای اجتناب از شکست فعالیت کند

چنین فرض شده است که خصوصیت برخی از افراد این است که نوعی انگیزه پیشرفت از خود نشان   می دهند حال آنکه برخی دیگر غالباً تحت تاثیر انگیزش منفی گریز از شکست هستند دسته دوم خواهان موفقیت نام گرفته اند و گروه سوم را گریزان از شکست می گویند.(مک للاند،اتکیسون،کلارکو لوئل 1953).تلاش برای موفقیت یا انگیزه پیشرفت ، از خصوصیات دسته خواهان موفقیت است.

طبق نظریه مک للاند،اتکینسون،کلارکو لوئل (1953) ، انگیزه پیشرفت یا انگیزه گرایش، از آرزوهای فزاینده کودک ناشی می شود انگیزه مثبت پیشرفت، نیاز به پیشرفت نامیده می شود.

اگر کودک با کمی تلاش بتواند بر معمای خود غلبه کند احساس لذت خواهد کرد وبه گسترش انگیزه پیشرفت تمایل خواهد داشت در صورتی که کودک نتواند بر معما غلبه کند در او اثر منفی خواهد داشت و به کسب انگیزه گریز از شکست تمایل خواهد داشت.

معلم دانش آموزی را انگیخته می داند که هم مایل است کارهای مورد نظر وی را انجام دهد و هم اینکه عملا آنها را انجام دهد بر همین منوال معلم دانش آموزی را ناانگیخته می داند که مایل نیست کارهای مورد نظر وی را انجام دهد و یا اینکه باید او را وادار به انجام آنها کرد .

نکته دیگری که بر آن تاکید داریم این است که انگیزش در هر نگره ی تربیتی مفهومی ریشه ای دارد هنگامی که در نظام تربیتی شکستی رخ می دهد غالباً انگیزش نکوهیده می شود.

نظریه پردازان و محققان انگیزش انسانی به دو نوع کلی از انگیزش یعنی درونی و بیرونی اشاره    کرده اند.(دسی،1975؛دسی و ریان،1985؛ لپروگرین،1978؛مالون لپر،1987).

انگیزش بیرونی زمانی وجود دارد که افراد به وسیله پیامدی که خارجی است و یا از لحاظ کارکردی مربوط به فعالیتی است که در آن افراد درگیر می شوند برانگیخته می شوند.

دانش آموزان که در فعالیتهای مطلوب خود به صورتی فعال درگیر می شوند برانگیخته شده اند ولی دلیل این سختکوشی آنان با ماهیت خود تکلیف ارتباطی ندارد آنان به این خاطر سختکوش هستند که تکلیف را وسیله ای برای رسیدن به اهداف مطلوب دیگری در نظر می گیرند.

در مقابل انگزش بیرونی،انگیزش درونی وجود دارد بدین معنی که شخص برای انجام موفقیت آمیز تکالیف خود تمایل درونی دارد خواه برای آن ارزش بیرونی وجود داشته باشد و یا نداشته باشد[.](http://www.zibaweb.com/)

اگر چه هر دو جهت گیری یعنی انگیزش درونی و بیرونی در اکثر کلاسها وجود دارد،ولی شیوه های عملی مدارس و سیستم کلاسهای ما طوری طرح ریزی می شود که جهت گیری انگیزش بیرونی را بصورت افراطی تسریع می کند.

یکی از راههای اصلی سرعت بخشیدن به انگیزش درونی دانش آموزان برای یادگیری،این است که در محیط های تحصیلی انگیزش درونی با تغییر موقعیتها،از یک روز به روز دیگر حتی دقیقه به دقیقه ادراکات شایستگی و خود تعیین دانش آموزان تغییر خواهد کرد.

انگیزش درونی بطور عمده تابعی از احساس کنترل است. معلمانی که در فکر افزایش انگیزش درونی دانش آموزان هستند باید بیاموزند که برای کنترل محیط های یادگیری خود چگونه برای دانش آموزان فرصتهای واقعی ایجاد کنند. به هر حال، آنان باید فرصتهای کنترل را افزایش دهند.

متأسفانه استفاده ی ناشیانه و نا آگاهانه از روش های ایجاد انگیزش درونی و بیرونی می تواند مشکلات انگیزشی غیر منتظره ای به وجود آورد بروز مشکل عمده بدین علت است که بین جهت گیری های انگیزش بیرونی و انگیزش درونی رابطه ای مثبت وجود ندارد. یعنی، نمی توان با افزایش درجه ی معینی از انگیزش بیرونی باعث افزایش علاقه ی درونی دانش آموز در یک تکلیف شد تا جایی که سطح انگیزش تحصیلی او به بالاترین حد خود برسد. اگر به افرادی که برای انجام فعالیتهای خاصی انگیزش درونی دارند پاداش داده شود سطح انگیزش درونی آنها در آن فعالیتها در آینده کاهش خواهند یافت(دسی، 1971، 1972، 1973،لپروگرین، 1975، لپروگرینو نایسی، 1973).

انگیزش دارای کاربرد مفهومیو درجاتی است وتا اندازه ای نیز از توانائیهای فطری و آموختنی پیروی می کند.معلم به هیچ وجه کنترل همه جانبه بر همۀ فرایندهای انگیزشی کلاس درسی ندارد.ولی دستکاری و کنترل کردن انگیزه های کودک در کلاس به شکل گیری شخصیت او اثر می گذارد.در این مورد بحث تقلید بعنوان الگویی برای یادگیری مطرح می شود.تقلید را می توان یادگیری بدون کوشش به شمار آوردکه بوسیله مشاهده ی الگو و بدون توسل به تمرین موجب تقویت رفتار گرددو تأیید این رفتارها موجب ایجاد انگیزه بیشتر برای تقلید از الگوهای مطلوب گردد. اگر معلمان می خواهند که دانش آموزان آنها کنجکاو و پژوهشگر باشند خود باید کنجکاو و پژوهشگر باشند ذکر این نکته قابل توجه  می باشد که هر چه کودک رشد می کند و بطور فزاینده ای خود مختار می شود احتمال اینکه معلم بتواند بطور موفقیت آمیزی با استفاده از فرایندهای یادگیری انگیزه های فراگیر را دست کاری کند، کاهش می یابد.

انگیزه پیشرفت از جمله مسایلی است که باعث ایجاد انگیزش تحصیلی می شود که خود بر دو نوع الف:انگیزه پیشرفت مورد انتظار جامعه ب:انگیزه پیشرفت درونی نمایان می شود.و شکست و موفقیت برای گروه دوم از اهمیت بیشتری برخوردار است کارابنیک (1972). افرادی که انگیزه پیشرفت بالایی دارند علاقه مند به برتری ، به خاطر برتری هستند نه به خاطر پاداشی که به دنبال دارد آنان روی یک تکلیف، به سبب پولی که بعنوان پاداش به دنبال دارد کار     نمی کنند. آنها نقشها را بر اساس فرصتهایی که برای برتری فراهم می کنند و نه به خاطر اعتبار آنها ارزیابی می کنند البته سطح بالای انگیزش پیشرفت تنها هنگامی ظاهر شد که موقعیت نشانه هایی در ارتباط با موفقیت اجتماعی فراهم کند.

والدین در ایجاد انگیزه تحصیلی در فرزندان نقش اساسی دارند؛ هاماچک (1971) نشان داده است که چگونه رفتار والدین می تواند اثر چشمگیری بر،انگیزه تحصیلی کودکان بگذارد. (با توجه به نتایج فرضی آن برای موفقیت تحصیلی آنان)، کودکان یاد می گیرند که نگرشهای افراد با نفوذ (والدین ومعلمان ) نسبت به خود، پیشرفت تحصیلی و توانایی بالقوه آنان را درک کرده و این ارزشیابی را بعنوان حقیقت بپذیرند. نتیجه جالبی از یک مطالعه در ارتباط با این موضوع توسط کتکاوسکی و دیگران(1964) بدست آمده است آنها متوجه نوعی ارتباط نیرومند بین نگرشهای پیشرفت تحصیلی والدین و رفتار آنها نسبت به کودکان خود شدند. ارزشهای مادر بیشتر بارفتار آنها نسبت به پسران مرتبط بودند تا دختران و در مورد پدران بر عکس آن درست بود.

به نظر می رسد که نیاز به پیشرفت تحصیلی، ریشه کاملاً محکمی در نگرشهای والدین نسبت به پیشرفت تحصیلی و رفتار آنها نسبت به فرزندان خود در موقعیت های پیشرفت تحصیلی دارد

**آموزش انگیزه**

الشوار و دیگران (1970)  شش گام عمده برای آموزش اانگیزش پیشرفت را ارائه کردند این گام ها که به ترتیب مورد توجه قرار خواهند گرفت از این قرارند:

1- توجه خود را به آنچه که اینجا و اکنون رخ می دهد متمرکز کنید.

2- تجربه یکپارچه و عمیق از افکار، اعمال و احساسات را فراهم کنید.

3-  به شخص یاری دهید تا از تجربه خود با کوشش در پنداشتن آنچه که رخ داده است سر در بیاورد.

4- تجربه یاد شده را به ارزشها، اهداف ، رفتارها و ارتباطات شخص با دیگران اتباط دهید.

5- به وسیله تمرین و تفکر ، عمل واحساسات تازه را تثبیت کنید.

6- تغییرات به دست آمده را درونی سازید.

همچنین شواهدی دال بر ارتباط انگیزه تحصیلی با کارکرد مدرسه وجود داردکه به صورت کلی وضمنی بر رفتار دانش آموزان تاثیر دارد.البته بعضی از مدارس گامی فراتر رفته و به آموزش و تعلیم انگیزش پرداخته اند که نتایج بدست آمده از مدارس مختلف بسیار پیچیده و گاهاً متعارض می باشند.بعضی از این آموزشها به صورت دوره های کوتاه مدت ارائه شده است که ازآن جمله شیوة بیان از راه وانمود سازی در بازی، واکاوی مورد نگاریها ،( سخنرانی مردان موفق)، «آموزش روانی»را می توان نام برد.

مدارس می توانند براساس شایستگی تحصیلی دانش آموزان یک برنامه ی آموزشی که باعث ایجاد انگیزش تحصیلی می شود رادرمورد نظر داشته باشند که خصوصیات آن عبارتست از:

1- تمرکز بر آموزش مستقیم مهارتها و راهبردها و روش هایی که بعداً دانش آموز در یادگیریها، حل مسائل و ایجاد محصول از آنها استفاده کند.

2-  فراهم کردن تکالیفی با دشواری متوسط که دانش آموز مهارتها، روشها و راهبردهای خود را تمرین می کند[.](http://www.zibaweb.com/)

3-  اجازه دادن  به دانش آموزان به منظور گزینش اطلاعات از طریق انجام تکالیف خود

4-  فراهم کردن حمایت های آموزشی (الگوسازی، ایجاد اهداف فرعی،تقسیم تکالیف) همزمان با کار دانش آموزان بر روی تکالیفی با دشواری متوسط.

5-  تشویق دانش آموزان به منظور حمایت از یکدیگر همزمان با کار روی تکلیفی با دشواری متوسط

6-  تشویق دانش آموزان به بیان نظایر خود از محتوای دروس.

7-  اجازه دادن به دانش آموزان که بر تکالیف خود کنترل بیشتری داشته باشد همزمان با افزایش شایستگی در تکالیف که انجام می دهد.

8-  کاهش امتحاناتی که مبتنی بر روشهای سنتی است جهت ارزشیابی دانش آموزان.

9- ارزشیابی دانش آموزان به صورتی که تشخیص داده شود که آیا آنان می توانند روشها،راهبردهاو مهارت هایی که در درس آموخته شده اند را نشان دهند یا نه همزمان با انجام تکالیف.

[**40 نكته در باب افزایش انگیزه دانش‌آموزان**](http://rmpsy.mihanblog.com/post/259)

انگیزه، حالات درونی فرد است كه موجب تداوم رفتارش تا رسیدن به هدف می‌شود. انگیزه ارتباط مستقیم و مثبت با پیشرفت تحصیلی دارد.

به همین علت علاوه بر آنكه انگیزه وسیله‌ای برای پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می‌‌شود، گاهی از آن به عنوان هدف نیز نام برده می‌شود، زیرا با افزایش انگیزه، پیشرفت تحصیلی نیز پدید می‌آید.

از آنجا كه هوش و استعداد تحصیلی به‌عنوان دو عامل اساسی در پیشرفت تحصیلی، كمتر تحت تأثیر معلم یا مربی واقع می‌شود، سعی بر آن است كه با افزایش انگیزه دانش‌آموزان حداكثر بهره‌وری از هوش صورت گیرد. زیرا در حالت مساوی برابری هوش و استعداد تحصیلی افراد، مشاهده شده است كه پیشرفت تحصیلی افراد با انگیزه چشمگیرتر بوده است. با وجود آنكه معلمان در تغییر هوش و استعداد تحصیلی نقش چندانی ندارند، ولی می‌توانند در بالا بردن انگیزه دانش‌‌آموزان مفید واقع شوند.

انگیزه به دو نوع درونی و بیرونی قابل تقسیم است. از انگیزه بیرونی می‌توان به تقویت‌كننده‌هایی چون پول، تائید، محبت، احترام، نمره و از تقویت‌كننده‌های درونی می‌توان به رضایت خاطر و احساس خوب از یادگیری اشاره كرد.

آنچه كه بیشتر موجب رفتار خود‌جوش می‌شود، انگیزه درونی است. هدف عمده فعالیت‌های پرورشی معلم یا مربی این است كه دانش‌آموز به تدریج از انگیزه‌های بیرونی به سمت انگیزه‌های درونی هدایت شود.

تفاوت اساسی افراد دارای انگیزه درونی با افراد دارای انگیزه بیرونی این است كه افراد با انگیزه درونی احساس كفایت بیشتری در خود دارند و كمتر به دیگران اجازه می‌دهند كه محرك رفتارشان شوند. این گروه از دانش‌آموزان، خود تعیین كننده رفتارها هستند و به خاطر كفایتی كه در خود احساس می‌كنند، باور دارند كه می‌توانند با رفتارشان بر محیط خود تأثیر بگذارند.

این گروه از دانش آموزان با انگیزه درون‌گرا، تصورشان این است كه موفقیت و عدم موفقیت در تحصیل به خاطر نحوه رفتار صحیح یا غلط خودشان است.

اما برخلاف آنها، دانش‌آموزان باانگیزه برون‌گرا، احساس بی‌كفایتی یا كفایت كمم داشته و همواره تصور می‌كنند كه موفقیت آنها تحت تأثیر عوامل محیطی نظیر:

معلم و سوالات سخت است. این گروه از دانش‌آموزان حتی اگر درس بخوانند، باز هم موفقیت چندانی نخواهند داشت. چرا كه اندك تلاش آنها به خاطر همان انگیزه‌های بیرونی، همچون فرار از تنبیه یا كسب خواست معلم است. اینان در صورت كسب موفقیت اندك هم آن را به شانس و تصادف نسبت می‌دهند و نه به تلاش و استعداد خود.

این دانش‌آموزان حتی اگر نیم‌نگاهی به موفقیت داشته باشند، آنقدر آن را صعب‌الوصول می‌دانند كه دست به عمل نمی‌زنند، در نتیجه هرگز طعم موفقیت را نخواهند چشید.

در حقیقت گام اول در برخورد با این افراد چشاندن طعم موفقیت به آنها و درهم شكستن تصور منفی آنها در مورد دستیابی به موفقیت است. در این صورت است كه «موفقیت»، «موفقیت» می‌آورد.

از آنجایی كه انسان آمادگی دارد تا فعالیت‌ها و تصوراتش را تعمیم دهد، موفقیت در یك درس منجر به موفقیت در دروس دیگر می‌شود و این موضوع در مورد دروس اصلی هر رشته مهم‌تر است.

درواقع، ضعف درسی در این دروس منجر به بی‌علاقگی به تحصیل و گاهی حتی ترك تحصیل می‌شود و البته عكس آن هم صادق است. به همین علت به معلمان دروس اصلی هر رشته توصیه می‌شود، شرایط آموزشی و امتحانی را مطلوب نمایند و با ارزشیابی‌های مناسب فضای كلاس را لذت‌بخش كنند.

به طوركلی به‌منظور افزایش انگیزه دانش‌آموزان و سوق دادن آنها به سمت درونی شدن انگیزه‌ها راهكارهای زیر توصیه می‌شود:

-1 - سعی كنیم اولویت تجربه‌های دانش‌آموزان برای آنها جالب باشد، احساس موفقیت اولیه اعتماد به نفس آنها را افزایش می‌دهد. این موضوع در مسابقات ورزشی نیز مشهود است.

-2 - برای موفقیت دانش‌آموزان پاداش در نظر بگیریم. منتظر نباشیم تا افت تحصیلی اتفاق افتد و سپس موفقیت را تحسین كنیم.

-3 - با احترام گذاشتن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، هرگز آنها را با یكدیگر مقایسه نكنیم.

-4 - دانش‌آموزان را در كلاس كمتر درگیر مسائل عاطفی منفی نمائیم و نسبت به حساسیت‌های عاطفی آنان آشنا و در كاهش آن كوشا باشیم. سخت‌گیری و انضباط شدید، تبعیض، بیان قضاوت‌های منفی و خبرهای ناخوشایند از جمله عواملی است كه موجب درگیری ذهنی و كاهش علاقه به یادگیری می‌شود.

-5- بلافاصله پس از آزمون یا پرسش كلاسی، دانش‌آموزان را از نتیجه كار آگاه كنید.

6- - برای اینكه دانش‌آموز بداند، در طول تدریس به‌دنبال آموختن به چیزی باشد، بیان اهداف آموزشی مورد انتظار از او را در ابتدای درس فراموش نكنیم.

7- - چگونگی یادگیری و نحوه انجام كار برای دانش‌آموز مشخص شود.

8- - به‌منظور افزایش حس كفایت در دانش‌آموز از او بخواهیم مطالب یاد گرفته شده را به دوستان یا كلاس آموزش دهد.

9- - در مورد مشكلات درسی دانش‌آموز و ریشه‌یابی آن، با او تبادل نظر و گفت‌وگو كنیم.

10- - تشویق كلامی در كلاس، به صورت انفرادی بسیار حائز اهمیت است.

11- - مطالب درسی را به ترتیب از ساده به دشوار مطرح كنیم.

12- - از بروز رقابت ناسالم در بین دانش‌آموزان پیشگیری شود.

13- - در فرآیند آموزش متكلم وحده نباشیم و یادگیرندگان را در یادگیری مشاركت دهیم.

14- - علاقه به دانش‌آموزان و تعلق خاطر و اهمیت دادن به یكایك آنها، سطح انگیزه‌ها را افزایش می‌دهد.

-15- آموزش را با «تهدید» پیش نبریم.

-16 -برای دانش‌آموزان با انگیزه، خوراك علمی كافی داشته باشیم.

-17 با محول كردن مسئولیت به دانش‌آموزان كم توجه، آنان را به رفتارهای مثبت هدایت و علل كم‌توجهی در آنها را بررسی كنید.

-18 - شیوه‌های تدریس را از سنتی به شیوه‌های روز تغییر داده و با استفاده از تكنولوژی آموزشی، حواس پنجگانه دانش‌آموزان را به كار گیریم.

-19 - میان درس كلاس و مسائل زندگی كه به وسیله همان درس قابل حل است، ارتباط برقرار كنیم.

-20 - تدریس را با طرح مطالب و پرسش‌های جالب توجه آغاز كرده و با تحریك حس كنجكاوی، دانش‌آموزان را برانگیخته‌تر سازیم.

-21 - به وضعیت جسمانی دانش‌آموزان توجه كرده و علل جسمی بی‌توجهی و كاهش انگیزه آنان را بیابیم.

-22 - محیط كلاس را با طراحی زیبا و مناسب، جذاب سازیم تا مانع بروز كسالت روحی شویم.

-23 - با فرهنگ و تاریخچه زندگی افراد مدرسه یا محله‌ای كه در آن تدریس می‌كنیم، آشنا شده و در طول تدریس از مثال‌های آشنا استفاده كنیم.

-24 - به منظور اطلاع از نتیجه فعالیت درسی دانش‌آموزان و ارائه بازخورد به موقع و مناسب، تكالیف آنان را بلافاصله در جلسه بعدی ملاحظه و با رفع اشكالات، جنبه‌های مثبت را تشویق كنید.

-25 - در گرفتن آزمون و امتحان به قول خود عمل كنیم.

-26 - زمان یادگیری باید در حد توان دانش‌آموز باشد. برای تجدید قوا و انگیزه در میان كلاس از وقت تفریح و استراحت غافل نشویم.

-27 - دانش‌آموز را از میزان پیشرفت خود آگاه سازیم تا بداند برای رسیدن به هدف چه گام‌های دیگری بردارد.

-28 - به لحاظ اخلاقی و ایجاد انگیزه، همیشه خوش‌اخلاق و خوش‌رو باشیم.

-29 - به منظور افزایش حس كفایت و مشاركت در ارائه دروس از نظرات دانش‌آموزان استفاده كنیم.

-30 - مطمئن باشیم كه توجه دانش‌آموزان برای شروع تدریس آماده است.

-31 - تمام مطالب دشوار را یكجا و در یك جلسه آموزش ندهیم.

-32 - به خاطر داشته باشیم، توجه افراطی به دانش‌آموزان (قوی یا ضعیف) موجب متشنج شدن فضای كلاس می‌شود.

-33 - دانش‌آموزان را به گروه‌های «خوب»، «بد» و «ضعیف» تقسیم‌بندی نكنیم.

-34 - از ورود به موضوعات حاشیه‌ای كه منجر به انحراف توجه كلاس می‌شود، بپرهیزیم.

-35 - با ایجاد جلسات بحث و تحلیل به دانش آموزان فرصت تفكر و اظهار نظر بدهیم.

-36 - هرگز دانش‌آموزان را مجبور به انجام فعالیت‌های تحقیركننده نظیر «جریمه» نكنیم.

-37 - به افراد درون‌گرا، كمرو، مضطرب كه تمایلی به ابراز وجود ندارند، توجه كرده و با تقویت رفتارهای مثبت، آنها را به مشاركت در بحث‌های كلاسی و كارهای گروهی تشویق كنیم.

-38 - در روش‌های تدریس، كنفرانس و سمینار را مد نظر قرار دهیم.

-39 - تأكید بر نمره، اضطراب دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و مانع از توجه كامل به موضوع درس می‌شود. این دانش‌آموزان با وجود تلاش زیاد از نمرات پایینی برخوردارند و به تدریج رابطه میان تلاش و نتیجه را نادیده می گیرند كه در نهایت منجر به از دست رفتن انگیزه خواهد شد.

-40 -گاهی از تجربه‌های دوران تحصیل و شكست‌ها و موفقیت‌های خود برای دانش‌آموزان صحبت كنید.

**درک معلمین، اولیا و دانش آموزان از این فرآیند چیست؟**

نقطه ای را که دانش آموز از نظر علمی در آن قرار دارد و جایگاه دانش آموزان در هر مقطع و درس و کلاس کجاست؟   
هدف های رفتاری که باید به صورت مشاهده دربیاید و با ابزار و ملاک های عینی ارزشیابی شود چیست؟   
تا چه اندازه به هدف ها، محتوا، فعالیت های یادگیری دانش آموزان، روش های ارزشیابی راهبردهای تدریس، ابزار یادگیری، زمان و مکان یادگیری پرداخته ایم و محیط های آموزشی مان عوامل اجرایی، معلم و مسئولان با این امور آشنا هستند. آیا واقعاً نقطه شروع همه فراگیران یکسان است؟ آیا همه باید به یک شکل و شیوه مورد ارزشیابی قرار بگیرند؟ آیا ارزشیابی ها استاندارد است؟و دارای اعتبار هستند؟ می توانند هدف های رفتاری موردنظر را بسنجند؟ باتوجه به مراحل پدیده آموزشی صحبت درباره افت تحصیلی نباید سطحی و گذرا باشد. کلیه مراحل از شروع نوشتن ارزش ها، دیدگاه ها، هدف تا آخرین مرحله اجرا و ارزشیابی یک به یک با شیوه های همه پرسی، پرسشنامه، همایش، سمینار، تحقیقات آماری باید مورد بررسی قرار گیرد تا به عوامل موثر در افت تحصیلی به شیوه علمی دست یافت.

• عوامل موثر در افت تحصیلی   
۱- محتوای آموزشی   
۲- سطح علمی معلم   
۳- ناآشنایی با حیطه عاطفی و علمی دانش آموز   
۴- کلی بودن هدف ها- بی ارتباطی هدف ها با جهت گیری برنامه ریزی   
۵- نامشخص بودن هدف های رفتاری   
۶- در دسترس نبودن کتب راهنمای تدریس برای معلم   
۷- ناهماهنگی فرهنگ خانواده و نیاز جامعه با نتیجه آموزش   
۸- وسعت علم   
۹- عدم توالی منطقی موضوع های درسی   
۱۰- عدم بررسی مشکل یابی در امر تدریس

الف: محتوای کتب درسی

در کشور ما محتوای کتب درسی توسط دفاتر تحقیق و تالیف کتب درسی به وسیله اساتید متخصص تدوین می شود. سطح ارتباط مولفین کتاب با عوامل درگیر با محتوای کتب معلم و شاگرد ضعیف بوده و نسبت به نیاز دانش آموز و تقاضای معلم بی اطلاع هستند یا حداقل شناخت از نزدیک وجود ندارد. لذا متخصصان به پشتوانه رشته تحصیلی خود به تعیین محتوای درسی پرداخته اند. موضوع های درسی مدون به عنوان منبع اصلی اطلاعاتی در برنامه آموزشی ایجاب می کند که یک سازماندهی منطقی و از پیش تعیین شده داشته باشیم. حتی گام های تدریس باید از پیش تعیین شده باشد تا مجموعه آموزشی بتواند به نحوی موثر و کارآمد به انتقال دانش بپردازد. با توجه به حجم کتب و نامتناسب بودن با درک و فهم دانش آموز و حتی زمان و مکان آموزشی با چالش های جدی روبه رو هستیم. با این شیوه جریان یادگیری به یک جریان مکانیکی مبدل شده. نقاط ضعف این شیوه طرح محتوای کتب درسی عبارتند از:

۱- معلومات تکه تکه شده و مجزا از یکدیگر در قالب دروس مجزا ارائه می شود لذا سریع فراموش می شود و از کاربرد علوم آموخته شده کاسته خواهد شد.   
۲- برنامه درسی با موضوع محور ارتباطی با دنیای واقعی دانش آموز ندارد و مسائل و مشکلات و امور زندگی دانش آموز به طور پیوسته در برنامه درسی او گنجانده نشده است.   
۳- به توانمندی ها، علایق و نیازها و تجربه های گذشته دانش آموزان توجه کافی مبذول نمی شود. لذا انگیزه های لازم برای یادگیری از آنها را سلب می کند.   
۴- محتوای کتب باید با زندگی طبیعی بیگانه نباشد.   
۵- درک دانش آموز از محتوا نباید تحت الشعاع کمیت آموزش قرار گیرد.   
۶- مهارت های شناختی مورد توجه قرار گیرد.   
۷- باتوجه به گسترش دانش بشری و پیداشدن قلمروهای جدید در علم و کثرت موضوع های درسی هماهنگی با طول زمان کلاس، تعداد شاگردان و فضای آموزش ندارد.   
از طرفی می دانیم:

۱- همه معلمین توان طراحی درسی را ندارند.   
۲- همه متخصصین هم آشنایی با تدوین برنامه درسی را ندارند.   
۳- برنامه درسی های روییدنی که از تعامل بین معلم و شاگرد به وجود می آید به هدف های اجتماعی تعلیم و تربیت و میراث فرهنگی نمی تواند توجه کافی مبذول کند.   
۴- به هدف های مشترک و عام دست نمی یابیم.   
لذا نیاز داریم:   
۱- متخصصین رشته های گوناگون با ادبیات برنامه ریزی آشنا باشند.   
۲- مولفین در محل اجرای محتوای درس قرار بگیرند.   
۳- به نقد و بررسی محتوا پرداخته شود.   
۴- نظرات معلمین، نیازهای دانش آموزان و جامعه و تجزیه و تحلیل بررسی ها را یکپارچه کنند.   
تصمیم گیری های آگاهانه مبتنی بر روش های روشن بینانه متکی بر اهداف کلی باشد و توان اجرای اهداف رفتاری را نیز داشته باشد.   
۵- محتوای دروس با تغییرات علوم، جوامع، علایق و نیازهای یادگیرنده و جامعه متغیر باشد.

ب: سطح علمی معلم

معلمی چیزی فراتر از یک تخصص علمی است. معلم باید با زمینه های تربیتی، روانشناسی، برنامه ریزی، طرح درس و شیوه های آموزش آشنا باشد که این امر با یک برنامه ریزی دقیق در سطح دانشگاهی که معلمین بعد از دستیابی به تخصص رشته ای باید در علوم رفتاری دوره ببینند بعد از تسلط کامل به جریان آموزش وارد نشوند. شغل معلمی جای آزمون و خطا نیست. متخصص آگاه و کاردان باید معلم باشد. معلمان در دوره های تربیت معلم برای تدریس و برنامه ریزی آگاهی های لازم را کسب کنند شناخت دائمی با نیازهای دانش آموزان لازمه کار معلمی است. در دنیای امروز نقش حاکمانه معلم که زاییده خبرگی اوست به نقش تسهیل کنندگی و مشاور و راهنمای یادگیرنده تبدیل شده.

ج: ناآشنایی با حیطه عاطفی دانش آموزان

در سیستمی که یادگیری براساس علایق و نیازهای فراگیران نیست ایجاد انگیزه تقریباً صفر است و در صورتی که انگیزه و رغبت درونی برای یادگیری لازم است مواجه شدن کودک با مسائل واقعی ایجاد شگفتی، کنجکاوی و محرک درونی برای او می نماید و احتیاج به تشویق و تنبیه و محرک های بیرونی ندارد. در سیستم ما دانش آموزان به کسب دانش و معلومات نائل می شوند اما سطحی و صوری و متکی بر حافظه آنها است در صورتی که یادگیری باید معنادار و پایدار باشد.   
مهمترین انتظار از سیستم آموزشی تربیت عقلانی است. حال ما تا چه اندازه فرزندانمان را با مسائل واقعی مواجه می کنیم تا تفکر کنند و با عقل و تدبیر خود به حل مسئله بپردازند.   
موضوع تعلیم و تربیت رشد در بعد عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی است.   
ادراک صحیح مطلب، مقایسه نظرات، درک ارتباط میان مطالب، استنتاج، استدلال و ارزیابی تا چه حد در برنامه های آموزشی ما دنبال می شود. مسئولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران، ارزشگذاری به کار دیگران و در نظر گرفتن عدالت در بحث تا چه اندازه مدنظر واقع می شود.   
پس بررسی افت تحصیلی فقط بررسی چرایی آمار مردودی و تجدیدی نیست چه بسا کسانی که مردود می شوند ولی از نظر موضوع تعلیم و تربیت به مرحله رشد رسیده اند و چه بسا سیستم ارزشیابی ما دچار نواقصی است.   
در سیستم آموزش و پرورش تا چه حد کارایی (انگیزه\* تخصص) تقسیم بر (هزینه\* زمان) کلاس اندازه گیری می شود.   
به اقتصاد زمان نظرداشتن باید یکی از اهداف ما باشد.   
استقلال عقلانی و سرعت در انتقال یادگیری، افزایش بازدهی آموزشی را فراهم می آورد. با چنین تفکراتی هر دانش آموز برنامه آموزشی خاص خود را نیاز دارد. هر دانش آموز باید نقطه شروع و جایگاهی را که در آن قرار دارد شناسایی کند و پیوستن بین مطلب جدید و قدیم برقرار شود و هر شخصی با سطح خود ارزشیابی شود.   
مهارت های چگونه یادگرفتن و کشف مجهول را باید در اختیار دانش آموزان قرار داد. متاسفانه در شرایط کنونی که با نقصان های مهارتی معلمان روبه رو هستیم مسئولیت واگذاری این زمینه به ایشان دارای محدودیت است.

با استفاده از وسائل کمک آموزشی - رسانه ای آموزش داده شود.

آنچه که از out come نظام بر می آید برآورد نظامی است که نوع طراحی آن موجب گریز دانش آموزان از مدرسه شده است.   
یکی از دلایل ترک بی موقع مدرسه بی ارتباطی محتوا با زندگی و شغل و جامعه آنان است. باید در نظام آموزش و پرورش ظرفیت ایجاد ارتباط زندگی و مدرسه را به وجود آوریم تا از نرخ ترک تحصیل بکاهیم. نجات نظام آموزش و پرورش از حالت خشک و بی روح انتزاعی و بی معنا برای دانش آموزان شاید یک راه اصلی جلوگیری از افت تحصیلی باشد.   
تطابق کیفیت یادگیری در محیط های آموزشی با یادگیری هایی که در محیط های طبیعی اتفاق می افتد در مدرسه در قالب زنگ ها با یادگیری موضوعی سر و کار داریم، حال آن که در ورای مرزهای مدرسه افراد در بستر زمان به گونه ای جاری و پیوسته بدون تقسیم بندی حوزه ای از دانش زندگی می کنند، باید مشوق پویایی و رفتار خلاق دانش آموزان بود.   
هدف آسا ن کردن کار معلم و سازمان نباشد بلکه هدف باید آنچه باشد تا یادگیری موثر و کارا رخ دهد. پژوهش ها موید آن است که مغز انسان در دریافت معنا و مفهوم به کاوش برای کشف نقشه ها و پیوندهای متقابل میان عناصر و مولفه های یادگیری می پردازد لذا طراحی آموزشی باید برمبنای ارتباط و پیوندی منطقی موجه باشد و با تلفیق مطالب از وجود مطالب تکراری غیرضروری بکاهیم و پیوسته و مستمر در حال پالایش برنامه های درسی باشیم و پیوسته و مستمر در حال آموزش معلم (در حین خدمت) باشیم. هر برنامه ای علاوه بر معیارهای عقلانی مستلزم در نظرگرفتن شرایط و امکانات محیط اجرا اعم از امکانات و شرایط انسانی و فیزیکی است.

**بیست راهبرد آموزشی برای تدریس موفق**

- همیشه با یاد ونام خدا درس راشروع کنیدوآن رابه پایان برسانید.

-        ساده ،امّاعمیق تدریس کنید.

-        تجربه های تازه ی خودرا دراختیارفراگیران قراردهید.

-        هرگزگمان نکنیدکه سکوت شاگردان به معنای فهمیدن است.

-        به تقویت شوق دریادگیری وپرورش خلّاقیت اهمیت بیشتری بدهید.

-        به افزایش کیفیّت یادگیری وپرورش خلّاقیت اهمیت بیشتری بدهید.

-        طرح درس ویاخلاصه ی آن راهمواره باخود داشته باشیدتابه کاری که انجام می دهید،مسلّط باشید.

-        به سوالات فراگیران اهمّیّت دهیدوبالحن خوب ومناسب بازخورد دهید.

-        مطالعه ی پیش ازتدریس وآمادگی قبلی برای تدریس رافراموش نکنید.

-        ازابتکاروخلّاقیت خودودانش آموزانتان درتدریس استفاده کنید.

-        تنوع در روش آموزش رافراموش نکنید.

-        درتدریس،تاحدّ امکان ازمثال ومصداق استفاده کنید.

-   ازوسایل وامکانات آموزشی موجود،حداکثر بهره راببرید؛ازجمله،دانش آموزان رابامنابع مطالعاتی مثل کتاب ها و نشریات آشناکنید.

-    آرام ، با نشاط و علاقه مند تدریس کنید .

-    برای فعّال کردن دانش آموزان و ایجاد انگیزه ی یادگیری،از ذوق ، سلیقه و استعداد آن ها بیشتر استفاده کنید.

-    کار ها و فعّالیت های مربوط به کلاس را بین دانش آموزان تقسیم کنید و به آن ها مسئولیّت دهید.

-    با شاگردانتان جدّی ولی مهربان باشید.

-   هرگز پشت سر هم ویکنواخت تدریس نکنیدوباطرح سوال هایی،دانش آموزان رادرطول تدریس فعّال نگه دارید.

-   بابه کارگیری روش های متنوع ارزشیابی،از وضعیت فراگیران ونتیجه ی کارخودمطّلع شوید.

-   برای ارتباط فعّالیت های آموزشی کلاس درس وخارج ازکلاس ،تکالیف مناسبی رابه دانش آموزان پیشنهادکنید؛مثلا ازآن هابخواهید،آموخته های خود رابه شکل های متنوع،مانند:تهیه ی خلاصه ی درس،طرح سوال های مهم،کشیدن نقّاشی،تهیه ی مصاحبه بابزرگترها،کارپژوهشی و . . . ارائه دهند.

**پیامی ازیک معلّم به همکاران:**

◙ یکی ازبهترین راه های غنی سازی آموزش این است که معلمان روش هایی راکه خلق کرده اند ، به یکدیگر معرفی وازاین طریق به افزایش هرچه بیشترتوانایی معلمی خود ودیگران کمک کنند.

◙ ازاولیابخواهیدگاهی درفعّالیّت های کلامی فرزندان خودمشارکت کنندتاذوق وشوق بیشتری درکودکان ایجادشود.

◙ یکی ازموثرترین شیوه ها برای ایجادوتقویت انگیزه ی فعّالیّت دانش آموزاین است که اولیا،فعّالیّت های خوب فرزندان خودرابه معلّم گزارش دهند.

◙ گاهی یک بازدیدوگردش هدف دار،ازمطالعه ی یک کتاب ،تدریس وکلام معلّم،موثرتر است.

◙ ازبیان نکاتی که طرح آن ها به دلیل رشدناکافی دانش آموزان،موجب برداشت های ناصحیح می شود،بپرهیزید.

◙ برای پرورش حس زیباشناختی بچّه ها،ازهنرهای جذاب دیداری و شنیداری استفاده کنید.

◙ توجه داشته باشیدکه هدیه های آسمان بیش ازهرچیزبراهداف حیطه ی نگرشی تاکید دارد.

◙ ازطریق هدیه های آسمان می توان زیبایی های دین رابا زبانی کودکانه به بچّه ها آموخت.

◙ تدریس دروس هدیه های آسمان،بدون نیاز به تدریس درس های قبلی هم امکان پذیر است.

◙ مفاهیم دینی واخلاقی رابه صورت غیرمستقیم آموزش دهید.

◙ آموزش های دینی دانش آموزان رابازندگی روزمرّه ی آن ها مرتبط کنید.

◙ نباید ذهن دانش آموزان را از مفاهیم واطّلاعات دینی انباشت،بلکه باید زمینه ی مناسبی برای استنباط ونتیجه گیری خود دانش آموز فراهم آورد.

◙ آموزش های دینی باید همراه با امیدوشادی ونشاط باشد.

◙ شخصیّت ورفتار وزندگی پیامبر اسلام (ص) ومعصومان (ع) رابه صورت واقعی وصمیمی برای دانش آموزان ترسیم کنیم.

◙ تربیت دینی بیش ازهرجابه محیط های بکر وزیبای طبیعی نیاز دارد.

◙ فضای کلاس، نحوه ی چیدن صندلی ، تصاویر ورنگ کلاس ، دریادگیری تاثیر زیادی دارند.

◙ کتاب کار، بیشترمی تواندبه عنوان ابزاری برای کاردرمنزل تلقّی شود، امّادرمواردی که محتوای تمرینات این کتاب فعّالیّت کلاسی راطلب می کند،می تواندبه عنوان ابزاری برای تکمیل مراحل یادگیری درکلاس به کار رود.

◙ در ارزشیابی لازم نیست معلّم کتاب رابه دست بگیرد واز متن درس ها ازبچّه ها سوال کند.

◙ ارزشیابی درهدیه های آسمان، به صورت مستمروبا استفاده از ابزار مشاهده صورت می گیرد.

◙ هردانش آموزباید درپایان هرنیم سال ،دست کم درپنج درس ،مورد مشاهده قرار گرفته ورتبه یانمره ای راکسب کرده باشد.

◙ معلّم می تواند به جای نمره ، از رتبه های 1 ، 2 و3 ویا نشانه های دیگر مانند سه رنگ متفاوت یا عبارات «بالاتر ازمتوسط ، رضایت بخش وباید بهتر شود » ویا «عالی ،خوب ومتوسط»و یا هرشیوه مناسب دیگر استفاده کند.

 نتیجه گیری

معلمان انگیزش را عامل مهمی در یادگیری می دانند و از این رو می خواهند دانش آموزانی با انگیزه داشته باشند.و دانش آموزان نیز خواهان موفقیت و کسب پیروزی هستند در این خصوص معلم می تواند به دانش آموز کمک کند.

راهبرد هایی برای ارضای نیازهای یادگیری فرد

1-  تشخیص نیازها، علایق و اهداف منحصر به فرد دانش آموزان.

2- کمک به دانش آموزان برای تعریف اهداف فردی خود و آنچه که به اهداف یادگیری آنها مربوط می شود.

3-  مرتبط کردن اهداف کلی یادگیری با علایق و اهداف منحصر به فرد دانش آموزان.

4-  سازماندهی اهداف و فعالیت های یادگیری به منظور تشویق دانش آموزان به موفقیت های فردی.

5-  استفاده از سر مشق برای آگاه کردن دانش آموزان از ا رزش و منافع حاصل از مهارتهای خاص.

برخی از اصول اساسی بدست آمده از تحقیق عبارتند از:

1-  دانش آموزان از طریق یادگیری شرایط و فعالیت هایی برانگیخته می شوند که:

الف: آنها را در هماورد جویی شخصی و فعالانه یادگیری درگیر کند و ب: به آنهااجازه داده شود تا دست به اتنخاب های شخصی بزنند و مقتضیات تکالیف را با ظرفیت های شان هماهنگ سازند.

2-  انگیزش دانش آموزان در صورتی افزایش می یابد که دریابند تکالیف یادگیری الف: به طور مستقیم یا غیر مستقیم با نیازها، علایق و اهداف شخصی آنها مرتبط است و ب: سطح دشواری آن به گونه ای است که می توانند به صورتی موفقیت آمیز آنها را انجام دهند.

3-  انگیزش ذاتی دانش آموزان به یادگیری در محیط امن، اعتماد بخش و حمایتگرایانه پرورش یابد، که دارای این ویژگی ها باشد: الف بزرگسالان،در روابط کیفی خود توام با توجه به توانمندی های بالقوة جوانان، را دریابند  ب: نیازهای منحصر به فرد دانش آموزان از نظر یادگیری و آموزشی مورد حمایت قرار می گیرند و ج: فرصت هایی برای خطر کردن بدون ترس از شکست خوردن برای دانش آموزان فراهم کند.

این اصول اساسی به جنبه هایی از نقش معلمان به عنوان برانگیزاننده اشاره دارد: نخست آنکه به نیاز معلمان برای آگاه شدن از نیازها و علایق شخصی هر دانش آموز اشاره می کند.

دومین جنبه ی نقش تمرکز بر شیوه هایی است که در آن دانش آموزان هم مسئولیت فردی خود را در یادگیری بپذیرند و هم به طور فعالانه در تجارب یادگیری درگیر شود ذکر این نکته ضروری است که دانش آموز به طور ذاتی نسبت به زمینه های مورد علاقه یخود وقت تلاش و انرژی صرف می کند، یا هنگامی که کاری را به طور شخصی معنادار می سازند.

سرانجام آنکه اصول مذکور اشاره بر این دارند که بخش عمده ای از نقش معلمان، ایجاد محیطی امن اعتماد بخش و حمایت آمیز است که با ابراز علاقه، توجه و ملاحظه ی خالصانه به هر دانش آموز بوجود می آید[.](http://www.zibaweb.com/)

یافته های پژوهشی نشان می دهند که بخشی از ضرورت های ایجاد فضای امن و مطمئن برای دانش آموزان بر ساختارهای غیر رقابتی ـ مشارکتی ـ و آن نوع اهداف آموزشی تأکید دارد که مغایر با ساختارهای رقابت آمیز است.

نقش معلم به عنوان برانگیزاننده، در بردارنده ی رشد فزاینده احساسات مثبت دانش آموزان نسبت به خود و ایجاد انگیزه ی یادگیری به عنوان یک عامل مهم خلاقانه و هماورد جویانه است.

**منابع و مأخذ**

-          فرجی ذبیح الله ، انگیزش و هیجان

-          ریچارد سی، تیوان، باردی، اسمیت، انگیزش؛ترجمه ملک عبداللهی

-          ساموئل، بال، انگیزش در کلاس

-          ال،اسپالدینگ،انگیزش در کلاس درس، ترجمه حسین یعقوبی، ایرج خوش خلق

-         باربارا، مک کومیز، جیمز، پاپ، پرورش انگیزه، ترجمه دکتر صغری ابراهیم قوام

-         ویلیام دبایوپرکسی، خودپنداری و موفقیت تحصیلی، ترجمه دکتر سید محمد میرکمالی

-          اتکینسون و هیگارد، زمینه های روانشناسی، ترجمه محمدتقی براهینی

-           مجله روان شناسی، فصلنامه انجمن ایران و روان شناس، سال هفتم /شماره

- 500 نكته درباره مطالعه، فيل ريس.

- مطالعه روشمند، عين الله خادمی .

- <http://daneshnameh.roshd.ir>

- <http://www.pezeshk.us>  
- [www.daneshju.ir](http://www.daneshju.ir)